

واکاوی شاخص‌های عدالت در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

گفتگو با دکتر حسین صمصامی*

جناب آقای دکتر حسین صمصامی، متولد نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ می‌باشد و دوره کودکی تا تحصیلات دیپلم را در قم گذراندند. ایشان در سال ۱۳۶۴ در مقطع لیسانس وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در همان دانشگاه ادامه داده و در رشته علوم اقتصادی موفق به اخذ مدرک دکتری شدند و همچنین از سال ۱۳۸۰ تاکنون عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه شهید بهشتی می‌باشند. وی همزمان با تدریس در دانشگاه‌ها و موسسات، مسئولیت‌های مختلفی از جمله دبیر کمیسیون اقتصادی هیأت دولت در سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۷؛ سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۸۷؛ رئیس «مرکز پیشگیری از جرائم اقتصادی» معاونت بررسی امور اقتصادی قوه قضائیه؛ رئیس مرکز تحقیقات اقتصاد اسلامی و موارد دیگر، که به عهده داشتند، ایشان تاکنون موفق به ترجمه و تألیف چندین جلد کتاب از جمله تألیف کتاب «اقتصاد پول و بانکداری»، کتاب «به سوی حذف ربا از نظام بانکی» و «تدوین دوره چهار جلدی» مآخذشناسی اقتصاد اسلامی و ده‌ها مقاله علمی دیگر می‌باشند.

مجله پاسخ: جناب آقای دکتر، از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما گذاشتید سپاس گذاریم. پرسش نخست ما این است که به نظر حضرت‌عالی عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد، خصوصاً اقتصاد سیاسی چیست و شاخص‌های آن کدام است؟
♦ اجازه دهید به جای تعریف مفهومی و درگیر شدن در نظریه‌ها و تعاریف به سراغ

*. استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران؛ h-samsami@sbu.ac.ir



شاخص‌ها و معیارهای عملیاتی و عینی بروییم. در ارتباط با بحث عدالت به کارهایی که دولت در عرصه اقتصاد انجام می‌دهد و به وضعیت حال خودمان نگاه کنیم. ما یک تفسیری از وضعیت حال داریم که این تصویر آن چه که نشان می‌دهد تصویر کلی‌اش این است که مردم از وضعیت موجود راضی نیستند و ایشانشان مکرراً مسئله اقتصاد را مطرح کرده‌اند، ما آن چنان که در بحث نظامی پیشرفت کردیم، وقتی که کشور خارجی ما را کوچکترین تهدیدی می‌کند، ما بلافاصله عکس‌العمل نشان می‌دهیم، متأسفانه در مسائل اقتصادی این اتفاق نیفتاده است. در رابطه با بحث اقتصاد، ما در سال گذشته، رشد اقتصادی مان، حدود منفی ۵٪ بود، تورم ۳۰٪ بود. شما می‌دانید که تورم، یکی از شاخصه‌هایی هست که فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌کند و موجب شکاف طبقاتی می‌شود؛ یعنی یکی از شاخصه‌های عدالت اجتماعی و از طرفی رشد منفی اقتصادی هم باعث بیشتر شدن شکاف طبقاتی می‌شود.

مجله پاسخ: همان بحث رکود را می‌فرمایید؟

♦ بله، سرمایه‌گذاری پارسال رقم رشدش منفی ۱۲٪ بود و مسئله دیگری که اتفاق افتاده است نقدینگی است. نقدینگی ۲۱٪ بود. الان بانک مرکزی اعلام کرده است که نقدینگی در آذر ماه سال جاری حدود ۲۸٪ است. یکی از متغیرهای مخرب در شرایط موجود که به شدت بر علیه عدالت هست، نقدینگی است.

مجله پاسخ: در برخی از مقالات و مصاحبه‌های اقتصادی خواندم که در رشد نقدینگی در رتبه‌ای بعد از ونزوئلا قرار داریم؟

♦ بله، کشورهای پیشرفته نقدینگی‌شان حدود ۴٪ الی ۵٪ است. رشد اقتصادی مان در شش ماهه اول امسال منفی ۱۰٪ و نقدینگی ۲۵٪ است؛ یعنی یک فاجعه برای قشر فقیر و فاجعه‌ای برای شکاف طبقاتی شدید است. شرایط حال شما نشان می‌دهد که نقدینگی به جای این که به سمت تولید و اشتغال برود که باعث رونق اقتصادی می‌شود، به سمت سفته بازی رفته است، که نتیجه آن بدتر شدن شاخصه‌ها است. چرا که طرف (گیرنده تسهیلات)، با گرداندن یک مقدار پول در بازار ارز و بازار مسکن می‌تواند در یک مدت کوتاهی میلیاردها میلیارد ثروت به دست بیاورد. خانه متری ۵

میلیون تومان، ۲۵ میلیون می‌شود، سکه یک میلیونی، ۴ الی ۵ میلیون و ارزش ۳ هزار تومانی تا ۱۶ هزار تومان هم رسیده بود. لذا کسی که ثروت دارد ارزش ثروتش بیشتر می‌شود. کسی هم که خانه ندارد (دسترسی و قدرتش برای خرید خانه کم‌تر و کم‌تر می‌شود) و به همان میزان شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر می‌شود. حالا این‌ها شواهدی است که الان در جامعه همه می‌بینند و با تمام وجودشان این را احساس می‌کنند و افرادی که این را نفهمند، کم هستند. الان از هر کسی که پرسید همین موضوع را می‌گوید. بارها اتفاق افتاده است که افرادی به بنده زنگ زده‌اند، گفته‌اند که ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون پول داریم می‌خواهیم خانه بخریم مثلاً خانه متری ۲ میلیونی حتی در حاشیه‌های شهر تهران، ۵ الی ۶ میلیون شده است! می‌گویید ما این پولمان را چه کار کنیم؟ و آن کسی که صاحب ۱۰ الی ۲۰ خانه است، ثروتش حدود ۳ برابر می‌شود. این نکته‌ای است که الان ما گرفتارش هستیم.

مجله پاسخ: جناب آقای دکتر واقعاً چرا چنین اتفاقاتی در اقتصاد ما می‌افتد و علتش چیست و کلاً سیاست‌گذاری‌ها به چه نحوی است که چنین آثار منفی را بر به جا می‌گذارد؟

♦ دلایل مختلفی وجود دارد. ببینید اگر به حسب اولویت این‌ها را نام ببرم، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اقتصادی امروز ایران، نظام بانکی است.

مجله پاسخ: سازوکار نظام بانکی چگونه باعث می‌شود چنین اتفاقی بیافتد؟

♦ الان نقدینگی بیش از ۲۰۰۰ هزار هزار میلیارد تومان است. همان طور که عرض کردم، نقدینگی ۲۸٪ رشد می‌کند. مرکز آمار تورم را در آذر ماه امسال، ۴۰٪ و در آبان ۳۹٪ اعلام کرد. این هم جزء تورم‌هایی است که در دنیا بالاترین آمارها است.

مجله پاسخ: اگر یک توضیح مختصری در مورد تفاوت بین نقدینگی و تورم بفرمایید که تفاوت این‌ها را بهتر بدانیم و در ادامه بحث، مباحث شما روشن‌تر شود؟

♦ نقدینگی تعریف دارد. نقدینگی در واقع شامل سه قسمت است. یک قسمتش سکه‌های دست مردم است و یک جزئش سپرده‌های دیداری و جزء دیگرش سپرده‌های مدت داری است که همگی نزد بانک‌ها است. این سه مورد که با هم جمع



شوند، نقدینگی می‌شود. هر چقدر که این نقدینگی حجمش زیاد شود، اگر ما به ازای این افزایش، تولید وجود داشته باشد و سرمایه گذاری و اشتغال شود، تورم را نمی‌شود. تورم یعنی چه؟ افزایش مداوم سطح قیمت‌ها است. وقتی که نقدینگی زیاد شد و منجر به سرمایه گذاری و تولید نشود، این باعث افزایش قیمت می‌شود. چون که با همان پول، شما یک کالای مشخصی را که بخواهید بخرید هر چقدر که پولتان زیادتر شود و قدرت خرید مردم بیشتر شود و اگر مقدار عرضه کالا ثابت باشد، آن کالا را باید با قیمت بالاتری بخرید.

مجله پاسخ: تقاضا زیاد می‌شود و عرضه کم می‌شود؟

♦ بله! چون عرضه کم شده یا عرضه نشده و تقاضا بالا رفته است، قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند.

مجله پاسخ: چه عواملی باعث رشد نقدینگی می‌شود؟

♦ بنده عرض کردم یکی از این عوامل سیستم بانکی است. الان عامل اصلی در خلق نقدینگی، سیستم بانکی است.

مجله پاسخ: الان سیستم بانکی چگونه عمل می‌کند؟ ما مرتب می‌شنویم که تمام سازوکارهای بانکی ما بر اساس عقود اسلامی است و ما براساس طرح بانکداری بدون ربا حرکت می‌کنیم و همه این‌ها، مورد تأیید مراجع دینی و مورد تأیید رهبری است، چگونه می‌شود که این ادعاها هست ولی ما این عملکردها و این آثار را در حوزه نظام بانکداری مشاهده می‌کنیم؟

♦ ببینید شما بحث رهبری را مطرح کردید. این‌ها را با همدیگر خلط نکنیم. آنچه که مورد تأیید رهبری است، قانون عملیات بانکی است، نه اجرا. این‌ها، دو تا موضوع جدا از همدیگر است، آن چه که مورد تأیید مراجع دینی است، قانون عملیات بانکی است، نه آنچه که در عمل اجرا می‌شود.

مجله پاسخ: یعنی این قانون را شما از لحاظ انطباقش با معیارهای دینی و عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد تأیید می‌کنید؟

♦ آن چه در شورای نگهبان تأیید شده است، قوانین پولی و بانکی سال ۶۳ توسط شورای نگهبان است و این تطابقش با اسلام، اثبات شده است. الان اگر ما در مورد

بانکداری بدون ربا صحبت می‌کنیم بحث قانون نیست، بحث اجرای قانون است. نقدی که مقام معظم رهبری به این موضوع داشتند در مورد ارتباط به قانون نیست، بلکه در ارتباط با اجرای قانون است.

مجله پاسخ: الان این فرایند به چه شکل اتفاق می‌افتد؟ فرایندی بانکداری که به خلق پول و افزایش نقدینگی و بالاتر رفتن شکاف طبقاتی منجر می‌شود؟

♦ اگر چنانچه قانون بانکداری بدون ربا می‌توانست در سیستم بانکی موجود به درستی اجرا شود، این شکاف طبقاتی که الان ناشی از سیستم بانکی است و این خلق نقدینگی که با رشد تولید در واقع تناسبی ندارد، اتفاق نمی‌افتاد. اما نکته این جا است که قانون بانکداری بدون ربا را در چارچوب نظام بانکی ربوی که در قیل از انقلاب به ارث بردیم، این بانکها نتوانستند اجرایش کنند. حالا دلایلیش خاص است و ما در کتاب «به سوی حذف ربا از نظام بانکی» کامل تبیین کردیم، چرا این طور نشده است. حالا می‌فرمایید که اگر می‌شد چه می‌شد؟ اگر می‌شد مردم پولشان را به صورت سپرده نزد سیستم بانکی می‌گذاشتند، البته غیر از قرض الحسنه که قرض است، بانکها این وجوه را تحت عنوان وکالت در عقود اسلامی می‌بردند مثل مشارکت مدنی که مشارکت مدنی بخش واقعی اقتصاد است، یعنی سرمایه گذاری در امر تولید و فروش اقساطی یعنی خرید اموال برای مردم، خرید کالا برای مردم، جعاله، مضاربه، اینها در واقع عقود اسلامی هستند که ما به ازایش بخش واقعی کالا است. یعنی شما وقتی که خرج می‌کنید در بخش واقعی خرج می‌کنید. لذا چنانچه بانکها در قالب عقود اسلامی عمل می‌کردند این توازن بین نقدینگی و رشد تولید ایجاد می‌شد لذا رشد ۲۱٪ نقدینگی و رشد اقتصادی منفی ۵٪ اصلا امکان پذیر نبود. یعنی در واقع رشد تولید ما و رشد نقدینگی مثل دو بال یک پرنده با همدیگر حرکت می‌کنند. اگر قانون به درستی اجرا می‌شد! منتهی بانک نتوانست این قانون را به درستی اجرا کند، حال چه اتفاقی افتاد؟ این ارتباط بین بخش واقعی و تولید از عملکرد بانکی که منجر به خلق نقدینگی می‌شود جدا می‌شود. لذا بانکها شروع به دادن تسهیلات می‌کنند، تسهیلات تبدیل به سپرده، دوباره تسهیلات و سپرده و این به معنی خلق پول است و از آن طرف چون این تسهیلاتی که داده می‌شود به تولید و به سرمایه گذاری منجر



نمی‌شود لذا این عملکرد بانکی نقدینگی را بالا می‌برد اما سرمایه گذاری را افزایش نمی‌دهد. سال گذشته بانک مرکزی اعلام کرد نظام بانکی ۷۷۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات داده است، این ۷۷۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی که داده باید به تولید منجر می‌شد پس چرا رشد اقتصادی ما منفی ۵٪ است؟ چرا سرمایه گذاری منجر به ۱۲٪ منفی شده است به خاطر این که این هماهنگی در نظام بانکی با بخش واقعی اقتصاد وجود ندارد. نظام بانکی وام می‌دهد اما وارد تولید نمی‌شود در سفته بازی بکار می‌رود، شخص، پول را می‌گیرد و بخش قابل توجهی‌اش را ارز و سکه می‌خرد. وقتی که ارز و سکه می‌خرد به جای اینکه تولید کند، دلالی و سفته بازی می‌کند، لذا این‌ها تورم را دامن می‌زنند.

مجله پاسخ: خود نظام بانکی نمی‌تواند برای این مسئله که این پول کجا خرج می‌شود، نظارت کند و این پول مگر نباید به تدریج در اختیار کسی که تسهیلات می‌گیرد قرار داده شود و هر قسمت از پول پرداختی، بر اساس یک بخشی از تولیدی که اتفاق می‌افتد، داده شود؟

♦ ظاهر قصه همین است که شما می‌گویید. اما در واقعیت این اتفاق نیفتاده است چون اگر اتفاق می‌افتاد این واقعیات پیش نمی‌آمد، ۷۷۰ هزار میلیارد تومان وام سیستم نظام بانکی، بیش از ۵۰٪ آن را سرمایه در گردش بنگاه‌ها دادند، به بنگاه‌ها دادند تا کارهای تولیدی شان راه بیندازند پس این سوال وجود دارد که اگر این گونه بود چرا رشد اقتصادی ما منفی ۵٪ است؟ از سال ۹۶ که نرخ ارز افزایش پیدا کرد، سال ۹۷ این افزایش شدت پیدا کرد و الان هم تورم در حال رشد است. یکی از عوامل اصلی‌اش، بحث نقدینگی است.

یکی دیگر از عوامل، عدم سیاست گذاری ارزی صحیح بانک مرکزی است. یعنی بانک مرکزی سیاست گذاری صحیحی در این مسئله نداشته است. عدم هدایت نقدینگی به سمت تولید است. نتیجه این اتفاقات چه می‌شود؟ نتیجه این اتفاقات این می‌شود که شاخص عدالت شما (توزیع عادلانه ثروت) و توزیع درآمد شما هر روز وضعیتش بدتر می‌شود و فقرا فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند. براساس محاسبه خط فقری که انجام دادیم، در خرداد پارسال برای خوراک حدود ۲۰۰ هزار

تومان است. یعنی چه؟ یعنی یک فرد برای نیاز حداقل کالری بدنش در یک ماه باید ۲۰۰ هزار تومان هزینه می‌کرد. فقط خوراک آن! الان بیش از ۴۳۰ یا ۴۴۰ هزار تومان شده است یعنی یک فرد اگر بخواهد نیازهای خوارکی خود را تأمین کند باید ۴۳۰ یا ۴۴۰ هزار تومان هزینه کند. این نشان می‌دهد که هزینه‌های خوراک و موارد دیگر و از طرف دیگر قیمت دارایی‌ها و املاک به شدت افزایش پیدا کرده است. بنابراین چه کسی متضرر می‌شود؟ آن کسی که حقوقش ثابت است و چه کسی منتفع می‌شود؟ آن کسی که دارای ثروت و اموال هست! این عدالتی که شما می‌گویید این عدالت چیست و ما به کجا داریم می‌رویم. نکته قابل توجه دیگر این است که این ۷۷۰ هزار میلیارد تومانی که بانک‌ها وام دادند، بانک مرکزی اعلام کرده است که در ده ماهه امسال بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان وام داده‌اند. پیش بینی می‌شود تا پایان امسال که این مقدار به ۹۰۰ هزار میلیارد تومان و حدود ۱۶٪ رشد کند. ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی که بانک‌ها وام می‌دهند کجا رفته است؟ باعث رشد اقتصادی شده است؟ سرمایه‌گذاری افزایش پیدا کرده است؟ تورم را کم کرده است؟ تولید را افزایش داده است؟ چه اتفاقی افتاده است؟ وقتی نگاه می‌کنید، نه! اتفاقی نیافتاده و بیشتر در جهت قشر غنی اتفاق مثبت می‌افتد و در این کنار یک اتفاق دیگر نیز می‌افتد که بیش از ۵۷٪ تسهیلات، معوقات است. معوقات یعنی چه؟ یعنی این پول را دادند به افراد و افراد نتوانستند به بانک‌ها برگردانند. سیستم بانکی این را می‌آید استمهال می‌کند. مثلاً فرض کنید ۲۰ میلیارد تومان دریافت کردید و رفتید خانه‌ای خریدید این خانه با پول بانک و با افزایش تورم، ۴۰ میلیارد تومان شد. حالا ۴۰ میلیارد را نمی‌خواهید بفروشید یا نمی‌توانید بفروشید که این معوق می‌شود. بانک هم این پولتان را استمهال می‌کند، یک درصد سود روی آن می‌کشد و همان پولتان را پیش خودتان می‌گذارد، دوباره به یک تورم دیگر می‌خورد و دوباره قیمت ۴۰ میلیاردی ارزش ساختمان، ۶۰ میلیارد تومان می‌شود. این وام گیرنده‌ها کلان می‌بینند که چه چیز خوبی است من هرچه پول به بانک ندهم این تورم باعث می‌شود که این دارایی که با پول بانک خریدم چندین برابر افزایش پیدا کند، بهتر است که من این پول بانک را ندهم که ارزشش بالا و بالاتر برود. اصلاً دیگر رغبتی پیدا نمی‌کنند که پول بانک را بدهند پس او با پولش



ثروتمندتر می شود و آن کسی که حقوق ثابتی می گیرد (مثلاً برای سال آینده می خواهند ۱۵٪ حقوق ها را اضافه کنند) الان تورم ۴۰٪ داریم، ۱۵٪ به حقوق ها اضافه می شود! خب این می خواهد چه بگوید. این بحث سیستم بانکی که به صورت خیلی خلاصه برای شما توضیح دادم.

شاخص دیگری که در موضوع عدالت تأثیرگذار است، بودجه است. بودجه یکی دیگر از ابزارهای دولت و سیاست گذاری دولت است. بنده می خواهم خدمت شما عرض کنم که ساختار بودجه هم متأسفانه به گونه ای است که در جهت عدالت اجتماعی حرکت نمی کند. عملکرد بودجه در جهت عدالت اجتماعی نیست. این سیستم در واقع دو بخش دارد. یک بخش درآمد و یک بخش هزینه است. در بخش درآمد، عمده درآمدها تا سال های اخیر درآمد نفت بود و بعدش هم درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها است. این درآمدهای نفتی در بانک مرکزی تبدیل به ریال می شود و ریالش را به دولت می دهند تا صرف امورات کشور کنند. از طرف دیگر با توجه به این که درآمدهای عمومی دولت، کمتر برای عمرانی صرف می شود، این درآمدها صرف دستمزد و حقوق می شود. بنابراین ما نفت را می فروشیم و دلارش را تبدیل به ریال می کنیم. اگر بانک مرکزی خودش دلارها را بخرد، اولاً باعث ایجاد نقدینگی دوباره می شود و این نقدینگی باعث ایجاد تورم می شود یعنی خود بودجه تورم زا می شود و اگر بانک مرکزی بتواند در بازار ارزی این را بفروشد اثر نقدینگی ایجاد نمی کند و بانک مرکزی برای این که دلار را در نرخ بالا حفظ کند معمولاً چنین کاری نمی کند؛ یعنی نمی آید هر چه دلار دارد را در بازار عرضه کند تا قیمت پایین بیاید. یکی از بخش هایی که منجر به تورم می شود و باعث ناعادلانه تر شدن درآمدها در اقتصاد و ثروت می شود، وضع درآمدهای نفتی است.

مجله پاسخ: آیا ممکن است چاپ اسکناس بدون پشتوانه توسط بانک مرکزی صورت بگیرد؟

♦ چاپ اسکناس به این صورتی که می گویند نه، ولی خلق پول (خلق اعتبار) چیزی که مصطلح بین مردم است و همان است که شما می گویند. این یک قضیه است، اما



قضیه بعدی (شاخص بعدی) مالیات است. در بحث مالیات، شما وقتی نگاه کنید، می‌بینید مالیات یک ابزار بسیار قدرتمندی است برای این که دولت بتواند توزیع درآمد را متعادل کند. اما متأسفانه دولت یک نقص اساسی در بخش مالیات دارد. آن نقص اساسی‌اش چیست؟ نقص اساسی‌اش پایگاه‌های اطلاعاتی است؛ یعنی ما نمی‌توانیم پایه‌های مالیاتی را به صورت گسترده‌ای احصا کنیم. مالیات را از چه کسی می‌گیرد، ابتدا از حقوق کارمندان ۱۰٪ الی ۲۰٪ به‌عنوان مالیات کم می‌کند. اما آن کسی که خانه خرید، ارز خرید، سکه خرید، ۲۰ میلیارد سود کرد، آن‌ها دیگر چه کار باید بکنند؟ می‌گوید: ما آمار آنها را نداریم. آن آقایی را که قاچاق کرد و پولشویی می‌کند. می‌گوید که اطلاعات او را که بالاخره من (دولت) ندارم. خُب می‌گوید یک پایگاه اطلاعاتی درست کنید و این‌ها را رصد کنید. می‌گوید: نه! آقا ما به حساب‌های مردم سرکشی نمی‌کنیم! ماده ۱۶۴ مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم سال ۹۴ را آقای رئیس‌جمهور امضا کرد، هنوز که هنوز است کامل اجرا نمی‌شود. این باعث می‌شود که صاحبان درآمدهای کلان فرار مالیاتی داشته باشند و صاحبان درآمدهای اندک در تور مالیات گرفتار شوند. بنابراین این عدالت نیست! اصلاً دولت با درآمدهای نفتی، نقدینگی را از طریق بانک مرکزی به جامعه تزریق می‌کند و در نهایت این نقدینگی تبدیل به تورم می‌شود و چوبش را چه کسی می‌خورد؟ من فقیر! از آن طرف مالیات را درست نمی‌گیرد اما از من فقیر می‌گیرد ولی از آن کسی که فرار مالیاتی دارد نمی‌گیرد چوبش را چه کسی می‌خورد؟ من فقیر! حالا در بودجه سال جاری قرار شد که یک و نیم میلیون بشکه در سال بفروشیم؛ و بیش از ۴۰ هزار میلیارد هم برای اوراق گذاشتیم؛ یعنی دولت اوراق منتشر کند؛ یعنی امسال قرار بود یک و نیم میلیون بشکه نفت در روز بفروشیم، اما نتوانستیم بفروشیم. حالا که نتوانستیم بفروشیم چگونه این پول را تأمین کنیم؟ از طریق فروش اوراق؛ که در نهایت می‌تواند منجر به افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی شود؛ یعنی به گونه‌ای، دولت از بانک مرکزی قرض می‌کند و این باعث افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. این دولت دوباره از چه کسی می‌گیرد؟ از فقرا! بعد دوباره دولت آمد یک اصلاحیه بودجه به جلسه سران سه قوه داد، مصوب کرد که حدود ۴۰ هزار میلیارد دیگر اوراق قرضه منتشر کند. از آن طرف



۴۰ هزار میلیارد تومان در بودجه ۹۸ بود. بنابراین حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان ما باید امسال اوراق قرضه منتشر بکنیم.

مجله پاسخ: این اوراق دقیقاً کارش چه چیزی است؟

♦ دولت کسری بودجه پیدا می کند و اوراق منتشر می کند، پیمانکارش طلب دارد به پیمانکارش اوراق می دهد. به جای اینکه پول بدهد، ورق می دهد و بخشی از این اوراق قرضه، اسناد خزانه دولت می شود.

مجله پاسخ: با این اوراق چه کاری انجام می دهند؟

♦ اوراق را در بورس می برند و با ۲۰٪ یا ۳۰٪ تنزیل بفروشد و پول اش را می گیرد.

مجله پاسخ: نهایتاً کسی که این اوراق را از پیمانکار می خرد با این اوراق چه کار می کند؟

♦ این اوراق را نگه می دارد تا موقعی که سررسیدش بشود، پول اش را از دولت می گیرد. منتهی چون ۲۰٪ یا ۳۰٪ زیر قیمت خریده است به همان اندازه سود می کند. **مجله پاسخ:** این سندی است که دولت بابت قرضی که به پیمانکار دارد، می دهد و افراد دیگر از پیمانکار می خرند و سپس پولش را از دولت می گیرند؛ یعنی سند برای پولی که دولت الان ندارد!؟

♦ بله، همین طور است. دولت سال های قبل این کار را کرده بود. سال گذشته ۳۰ یا ۴۰ هزار میلیارد تومان بود. در سال های اخیر این اوراق را منتشر کرده است. وقتی که سررسید این اوراق می شود، دولت برای پرداخت، یک بخشی را در بودجه قرار می دهد، البته بودجه دولت، کل سررسید را تأمین نمی کند. این جا چه اتفاقی می افتد؟ این جا بانک مرکزی تحت عنوان عملیات بازار باز، این اوراق را می خرد، وقتی اوراق را می خرد؛ یعنی دوباره حجم پول را افزایش می دهد. وقتی پول حجمش افزایش پیدا کند، نقدینگی افزایش پیدا می کند و تورم زیاد می شود. دوباره از جیب بنده و شما می رود!

مجله پاسخ: با این حساب همه عوامل دست به دست هم می دهند تا جیب فقرا خالی تر و جیب اغنیا پرتر شود!

♦ بله همینطور است. شما از طریق بودجه بروید به اینجا می رسید. از مسیر سیستم

بانکی بروید به اینجا می‌رسید. الان کانال‌های اصلی که در اقتصاد ما هست، یکی سیستم بانکی و دیگری بودجه است و اینها در واقع عملکردشان به چه سمتی بوده است؟ عملکردش به یک سمت می‌رود. حال بعد از انقلاب چه اتفاقی افتاده است؟ الان نظام بانکی بر ضد عدالت اجتماعی و اقتصادی است، نظام بودجه ما بر ضد عدالت اقتصادی است و تا مادامی که اینها اینطوری عمل می‌کنند فقرا فقیرتر و اغنیای غنی‌تر می‌شوند و این ما را به یک جای خطرناکی می‌برد.

مجله پاسخ: الان در سطوح کلان مدیریت، به این مسئله چطور نگاه می‌کنند چون این مسئله اگر ادامه پیدا کند ما در ماه‌ها و سال‌های آینده با فتنه‌های به مراتب شدیدتر و تخریب‌کننده‌تر از آبان ۹۸ مواجه خواهیم شد! به اصطلاح ما هر دوره‌ای یک بخش عمده‌ای از فقرا و کسانی که نارضایتی دارند اضافه می‌شوند و آنها برای مطالبات‌شان به کف خیابان‌ها می‌آیند و همه چیز را از بین می‌برند.

♦ این که دولتی‌ها نمی‌دانند، این طور نیست، بلکه می‌دانند اما دچار روزمرگی شده‌اند. الان یکی از معضلات دولت پرداخت هزینه‌های جاری خودش است. سر بُرج باید حقوق کارکنان و معلمان را بدهند. وقتی نفت فروش نمی‌رود، کسری منابع دارید، مجبورید که یک کاری بکنید چون برنامه‌ریزی ندارید چون اقتصادتان در مسیر غلط افتاده است. مثل مریضی که پای او سیاه می‌شود و هرچه جلوتر می‌آید، برای این که جلویش را بگیرند باید پا را ببرند، دوباره پا دیگری سیاه می‌شود مجبور می‌شوند دوباره آن را ببرند. برای اینکه این صدمه شدیدتری به کل بدن نزنند، مجبور هستید یک قسمتی از خودش را ببرد. الان شما این آثار منفی را می‌بینید، خوب شما می‌گویید: این کار را نکنید. اما آنها می‌گویند اگر این کار را نکنیم حقوق کارکنان و معلمان را نمی‌توانیم بدهیم حقوق‌شان عقب می‌افتد و بعد توی خیابان می‌ریزند، حالا اگر حقوق شما را بدهند ولی تورم ایجاد کنند که قدرت خرید شما کمتر شود تحمل می‌کنید. دولت می‌گوید من مجبورم این کارها را انجام بدهم. البته این راه و چاره دارد.

مجله پاسخ: البته این باعث می‌شود که بیماری عمیق‌تر و شدیدتر شود و مُسکَنی به او زده می‌شود تا دردش کمتر احساس شود.

♦ بله متأسفانه. دولت همین ۸۰ هزار اوراقی که می‌خواهد منتشر کند یعنی چی؟ یعنی



دولت دارد به نحوی بدهی‌اش و مشکلات‌اش را به تعویق می‌اندازد، نفت را کمتر کرده اما اوراق را بیشتر کرده است. هرچند آثارش به لحاظ تحلیل‌های اقتصادی متفاوت است اما آنچه الان در اقتصاد ما ظاهر می‌شود، همان افزایش نقدینگی است. الان دولت به لحاظ مالی از طریق افزایش نقدینگی دارد، تأمین مالی می‌کند و این افزایش نقدینگی درست است که باعث تأمین حقوق یکسری افراد می‌شود، هم به افراد فقیر و هم به افراد غنی پرداخت می‌شود. منتهی آن شکافی که این تورم در توزیع درآمد و ثروت ایجاد می‌کند، هر روز بیشتر می‌شود. بنابراین شما نگاه می‌کنید خانواده‌های که فقیرند به شدت فقیر و فقیرتر و خانواده‌های که به شدت غنی و غنی‌تر می‌شوند. در واقع این سیستم اقتصادی، شما را به نا کجا آباد می‌برد و سرمشأش سیستم بانکی و بودجه دولتی است.

مجله پاسخ: این مسئله می‌تواند امنیت کشور را در حد بسیار خطرناکی دچار مشکل کند. این مسئله فقط مربوط به دولت نیست که بگوییم دولت، اینجا اشتباهاتی می‌کند و ما اینجا دولت را نقد می‌کنیم و این می‌تواند کلیت نظام را دچار مخاطره جدی کند. آیا الان در سطوح کلان مدیریت کشور نسبت به این مسئله حساسیتی وجود دارد؟ و کاری انجام می‌شود یا نه؟ یا در سطوح کلان مدیریت هم دچار روزمرگی شده‌ایم؟

♦ متأسفانه در سطوح کلان، که مجلس و دولت باشند، در واقع دچار روزمرگی شده‌ایم. البته در مجمع تشخیص مصلحت، بعضی از بخش‌ها مثل دفتر آیت‌الله لاریجانی، که تیم خیلی خوبی هم آنجا هست و کارهای خیلی خوبی انجام می‌شود، ولی بهر حال آنها تا یک حدی می‌توانند مباحث را مطرح کنند و کاری را جلو ببرند وگرنه خیلی مؤثر نیستند. دولت هم می‌گوید من به غیر از این دیگر چاره‌ای ندارم.

مجله پاسخ: الان سازوکاری در کشور وجود ندارد که جلوی این روند را بگیرد؟
♦ بله حتماً وجود دارد. اول کاری که باید انجام دهند این است که ماده ۱۶۴ مکرر اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم اجرا شود و پایه‌های قانون مالیاتی دقیقاً شناسایی شود و دولت بجای اینکه از طریق انتشار اوراق تأمین مالی کند، از طریق پایه‌های مالیاتی جدیدی که فرار مالیاتی دارند، همان افرادی که خرید و فروش‌های کلانی

انجام می‌دهند و کسانی که ثروت هنگفتی بدست آوردند و فرار مالیاتی دارند، دولت می‌تواند هزینه‌هایش را از آنها تأمین کند. هم به عدالت اقتصادی نزدیک‌تر است و همین اینکه آثار منفی‌اش روی جامعه کمتر است. این راهی است که وجود دارد. تنها راه دولت برای رفع مشکل اقتصادی برای هدایت نقدینگی و حرکت به سمت عدالت اقتصادی و کسری بودجه، فقط مالیات است و اجرا شدن مالیات هم امکان‌پذیر نیست مگر ماده ۱۶۴ مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم اجرا شود و اجرایی شدن آن هم اگر همت ملی باشد، ۳ یا ۴ ماه بیشتر زمان نمی‌برد. البته این هم راهکار اجرایی و عملیاتی دارد.

مجله پاسخ: این راهکار الان هست و خیلی هم منطقی است اما علت اینکه این راهکار الان اجرا نمی‌شود و در این میان چه موانعی وجود دارد چیست؟

♦ (تعارض) منافع! چون منافع اجازه نمی‌دهند که سیستم مالیاتی‌تان را قوی کنید، این منافع به شما اجازه نمی‌دهد که از ثروت‌های کلان مالیات بگیرید، منافع اجازه نمی‌دهد که ماده ۱۶۴ مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم را اجرا کنید، این‌ها همه‌اش منافع است. وقتی بنده در سال ۸۷ در وزارت اقتصاد بودم با چشم خود دیدم چه اتفاقی افتاد است. این مجموعه موارد بود که ما خدمت شما تقدیم کردیم ان شاءالله که مورد استفاد قرار گیرد.

مجله پاسخ: از اینکه وقت خود را به مجله ما اختصاص دادید سپاسگزاریم.

